

حقوق تجارت یک

نام مدرس: دکتر سیاوشی

(به گرایش جزا و جرم شناسی علاقه دارند ، در مورد حضور و غیاب جدی هستند ، ۲ تا ۳ نمره برای فعالیت کلاسی و حضورغیاب در نظر میگیرند ، در نمره و امتحان بسیار سختگیر هستند ، در اداره کلاس جدی هستند ، نوع تدریس به صورت نوشتن از برآورد گفته های استاد است ، برای کنفرانس وقتی باقی نمانده)

کتاب مرجع: حقوق تجارت یک (دکتر اسکینی) ، دوره کامل ۵ جلدی است

نکات مهم در مطالعه این جزوه:

- مطالب درج شده با عنوان توضیحات استاد دقیقاً دیکته شده توسط استاد است و ۱۰۰ درصد قابل استناد است مگر آنکه اشکال نوشتاری یا تایپی داشته باشد.
- مطالب به رنگ آبی تحت عنوان هوش مصنوعی برای افزودن اطلاعات به صورت کریستالی از Chat GPT4 استخراج شده و علیرغم پیشرفته بودن و هوشمندی این موتور جستجو ، احتمال خطا دارد بنابراین ۵۰٪ قابل استناد است.
- کلماتی که به رنگ آبی و به صورت Underline است جهت ارجاع به سایت یا منابع دیگر جهت توضیحات بیشتر به صورت هایپرلینک است و با کلیک بر روی آن به منبع مورد نظر ارجاع داده می شود.
- سایر مطالب بصورت شنیداری از مطالب مطروحه در کلاس نوشته شده است یا برداشت شخصی از مطالب کلاس است لذا ممکن است در پاره ای از قسمتها دچار اشکال باشد.
- مطالب درج شده به صورت مداوم در حال بازبینی و به روز شدن است به همین دلیل ممکن است اطلاعات آن از نظر فرم و محتوی در هر مراجعه نسبت به دفعه قبل تغییر کند.
- تاکید میگردد این مطالب شیوه مطالعاتی و برداشت شخصی نگارنده از مطالب ارزشمند کلاس است بنابراین ممکن است دارای اشتباهاتی باشد که روند درک یک مطلب را به طور کلی عوض کند لذا نویسنده از اشتباهات احتمالی در پاسخ به سوالات امتحانی توسط خوانندگان از خود سلب مسئولیت می نماید.

جلسه اول

۱۳ آبان ۱۴۰۱

نکته مهم: مدرک رشته حقوق به تنهایی هیچ ارزشی ندارد بلکه داشتن سواد و علم برای این رشته ضروری است. حقوق تجارت در هر آزمونی از منابع است.

تجارت به معنی داد و ستد است یعنی مالی را میدهیم و مالی را میگیریم. در تجارت موضوع مهم گردش ثروت است ، همه افراد ممکنه داد و ستدهایی داشته باشند مثل خرید ماییل ، ماشین و سایر اقلام. درست که داد و ستد میکنیم ولی به این معنی نیست که تاجر هستیم. کسی تاجر است که شغلش داد و ستد باشد.

هوش مصنوعی» به طور کلی، تاجر کسی است که به انجام اعمال تجارتي مبادرت ورزد و انجام اعمال تجارتي را به عنوان شغل و حرفه عادي و معمول خود انجام دهد و در امور تجارت مستقل بوده و سود و زيان آن را خود تقبل نمايد. اشخاص حقيقي هم مي توانند تاجر باشند، مانند شرکت های تجاری، دولت، بانک، بیمه و غیره

قانون تجارت ایران در ماده ۱ تاجر را تعريف کرده و در ماده ۲ اعمال تجارتي را شرح داده است. اعمال تجارتي شامل خريد و فروش کالا، انجام معاملات مالي، انجام خدمات تجاري، انجام صنايع تجاري و غيره مي شود.^۲ هر کسی که اين اعمال را به صورت مکرر و به نام و حساب خود انجام دهد، تاجر محسوب مي شود.

به علاوه، قانون تجارت در ماده ۳ تمام شرکت های تجاري را تاجر مي شناسد، حتی اگر موضوع فعاليت آن ها امور تجارتي نباشد. برای مثال، شرکت های عام و خاص که برای انجام امور غير تجاري تشكيل مي شوند، نیز تاجر هستند.

تاجر بودن شخص، مسؤليت ها و تکاليف خاصی را برای او به وجود مي آورد، مانند داشتن دفتر تجاري، ثبت اسناد تجاري، انجام تصفيه حساب، پرداخت عوارض و ماليات، رعايت قواعد تجارت بين المللی و غيره.

حقوق تجارت هم در واقع شاخه ای از حقوق است که تکاليف تاجر ها را مشخص مي کند. تجارت از زمان انسان های اوليه وجود داشته است. به مرور اين داد و ستد تکميل تر و بين المللی شد. هر چه حرفه ای تر شد نياز به قوانينی که داد و ستد را تنظيم کند بيشتر احساس شد. اولين سند قانونی که در دنيا راجع به تجارت وجود دارد به ۲۰۰۰ سال قبل برميگردد و کشور ما نزديک ۱۰۰ سال است که از اولين قانون تجارت آن ميگذرد.

منابع حقوق تجارت: برای اینکه تاجر از حق و حقوقشان مطلع باشند به منابعی احتياج دارند.

- **قانون اساسی:** اين قانون ۱۷۷ اصل دارد (نکته: تنها در قانون اساسی است که از اصطلاح اصل استفاده ميشود و در ساير مواد از ماده استفاده ميشود). اين قانون در سال ۱۳۵۸ در مجلس خبرگان قانون اساسی تصويب شد و ۹۸ درصد مردم به اين قانون رای مثبت دادند و تصويب شد. قانون اساسی راجع به مسائل کلی صحبت ميکند و به جزئیات نميپردازد. (مثلا کشور طبق شرع مقدس اسلام است ولی در مورد حجاب صحبت نميکند). قانون اساسی اصل مهمی در مورد تجارت دارد که به عنوان اصل آزادی تجارت شناخته ميشود. اين اصل ميگويد همه مردم ميتوانند تجارت کنند و همه تاجر باشند. ۳ اصل مهم ۲۸، ۴۴ و ۴۶ در مورد تجارت است.

- **قوانين عادی:** قوانين عادی را مجلس شورای اسلامی تصويب ميکند. ۳ قانون عادی داريم که از منابع حقوق تجارت است،

قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ و برگرفته از قانون فرانسه است و جامع است ولی قديمی است (از بورس و ... صحبتی نکرده است) و ۶۰۰ ماده دارد.

دومين قانون لايحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ است، اين قانون ۵۰ سال است که به صورت موقتی به صورت لايحه در حال اجرا است و تأييد مجلس را ندارد يعنی در اثر تکرار وحدت رویه شده است.

سومين قانون عادی، قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷، ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ اس و در ۳ مرحله تصويب شده است و لازم الاجرا است. تمام روابط تجاری بر اساس اين قوانين قديمی اجرا ميشود. قوانين اول و دوم قوانين اصلی قانون تجارت است و قانون مدنی زمانی به عنوان منبع مورد استفاده قرار ميگيرد هر زمان بين دو تاجر نتوانند در دو قانون اول حکمی پيدا کنند آنگاه به قانون مدنی مراجعه ميکنند. يادآوری ميگردد هميشه قوانين با تاريخ جديدتر لازم الاجرا است.

- **کنوانسیونهای بین المللی:** به معنی قراردادهایی است که کشور ایران با سایر کشورها منعقد میکند. این قرارداد طبق ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون است. چون در حکم قانون است باید منتشر شود و مجلس هم این حق را دارد که در این رابطه اظهار نظر کند. مهمترین کنوانسیون بین المللی در باره حقوق تجارت، کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی است
- **مصوبات شورای نگهبان:** شورای نگهبان به خودی خود نمیتواند قانونی تصویب کند ولی میتواند به صورت غیر مستقیم در قانونگذاری با صدور اصلاحیه تاثیر گزار باشد.
- **مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام:** مجمع تشخیص مصلحت نظام مرجع حل اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان است. دو مصوبه مهم این مجمع دارد که درباره حقوق تجارت است «قانون نحوه وصول مطالبات بانکها مصوب ۱۳۶۸، قانون کسب و پیشه تجارت مصوب ۱۳۶۹»
- **تصمیمات هیئت وزیران:** هیئت وزیران وظیفه قانون گذاری ندارد و فقط حق اجرا دارد. اگر در مرحله اجرا به چالشی برخورد کند میتواند آئین نامه تصویب کند. آئین نامه قانونی است که به منظور تسهیل اجرا تصویب میشود.
- **عرف تجاری:** عرف به معنی راه و روش متداول و تکراری راجب به یک موضوع است. مثلا ساعت کلاس ۴ است ولی در اثر تکرار حضور دانشجویان در ساعت ۴:۱۵ این عرف میشود که کلاس ساعت ۴:۱۵ آغاز شود. نکته مهم در عرف تجاری این است که اگر عرف تجاری با قانون تعارض داشته باشد این قانون است که حاکم است.

مراحل تصویب قانون : برای اینکه قانونی تصویب شود ۶ مرحله وجود دارد:

- مرحله اول پیشنهاد قانون است . این پیشنهاد توسط نمایندگان مجلس است(طرح) یا توسط دولت ارائه میشود(لایحه).
- مرحله دوم تصویب قانون است ، تصویب قانون توسط مجلس شورای اسلامی انجام می شود. قبل از تصویب میتواند بررسی توسط کمیسیونهای تخصصی انجام شود.
- در مرحله سوم تائید قانون توسط شورای نگهبان انجام میشود. اصل ۹۴ و ۱۱۲ قانون اساسی به این مرحله اشاره کرده است. شورای نگهبان باید قانون مصوب مجلس را با ۲ معیار بررسی کند . معیار اول مطابقت با قانون اساسی است و معیار دوم مطابقت با دین و شرع اسلام است. در شورای نگهبان ۶ حقوقدان و ۶ فقیه حضور دارند و قوانین را بررسی میکنند.
- در مرحله چهارم امضای رئیس جمهور بعد از تائید شورای نگهبان انجام میشود. اصل ۱۲۳ قانون اساسی به این موضع میپردازد. رئیس جمهور در هر حال وظیفه دارد امضاء کند و در صورت استنکاف رئیس مجلس ابلاغ میکند. الزام به امضای رئیس جمهور به این دلیل است که مصوبات مجلس و شورای نگهبان لازم الاجرا است.
- در مرحله پنجم قانون در روزنامه رسمی منتشر خواهد شد. به این ترتیب کسی نمیتواند ادعا نماید که از قانون اطلاع ندارد.
- در مرحله ششم ۱۵ روز پس از انتشار قانون لازم الاجرا میشود و همه مردم باید تمکین کنند (ماده ۳ قانون مدنی)

پس جهل به قانون رافع مسئولیت نیست.

مورد هشتم منابع حقوق تجارت: آرا وحدت رویه

گاهی اوقات نسبت به قانون واحد دادگاهها تفسیر متفاوت میکنند و این منجر به صدور رای های متناقض میشود. در این حالت دیوان عالی کشور تفسیرها را میخواند و تفسیر خود را ارائه میدهد که من بعد باید همه از روی آن رای بدهند. به این رای وحدت رویه گفته میشود. این رای وحدت رویه در حکم قانون است. چون در حکم قانون است و برای شهروندان تعهد ایجاد میکند باید منتشر بشود و بعد از ۱۵ روز لازم الاجرا برای همه است.

مثال: هفته گذشته دیوان عالی کشور در رابطه با پرداخت ضرر کلاهبرداری رای وحدت رویه صادر نمود. این رای در مورد دو رای متفاوت مبنی بر پرداخت یک جریمه واحد و کامل برای تمام کلاهبرداران یک پرونده یا تقسیم مبلغ جریمه بین اعضای شریک کلاهبرداری.

نکته: گاهی اوقات رای دادگاههای عالی تر میتواند در رای دادگاههای دیگر در پرونده های مشابه موثر باشد. به این موضوع نیز رویه قضایی میگویند. یا اینکه چنانچه زن یا شوهر از هم تحت عنوان سرقت شکایت کنند با اینکه قانون در این رابطه موردی بیان نمی کند ولی رویه این است که رای به سرقت نمیدهند.

نکته» تفاوت حد و تعزیر: حد آن مجازاتی است که فقه برای آن مشخص نموده است ولی تعزیر مجازاتی است که قانون تعیین کرده است. شلاق حد قابل تبدیل، تخفیف، تشدید و عفو نیست و تنها توبه قابل قبول برای بخشش است. شلاق تعزیری قابلیت تبدیل به جریمه نقدی، تخفیف، تشدید و حتی بخشش را دارد. در شیوه شلاق آئین نامه دارد.

توضیح استاد: در برخی از موارد در یک موضوع مشابه دادگاهها آرای متفاوتی صادر میکنند، دیوان عالی کشور در این موارد ورود میکند و رای وحدت رویه صادر میکند این رای در حکم قانون است و لازم الاجراست. (ماده ۴۷۱ قانون آئین دادرسی کیفری)

هوش مصنوعی» ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مربوط به وحدت رویه در صدور آراء قضایی است. این ماده مقرر می کند که اگر در موارد مشابه، شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاهها با استنباط متفاوت از قوانین، آراء مختلفی صادر کنند، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور می تواند نظر هیات عمومی دیوان عالی کشور را درخواست کنند تا وحدت رویه ایجاد شود. همچنین قضات، دادستانها و وکلای دادگستری نیز می توانند با ذکر دلیل، نظر هیات عمومی را درخواست کنند. رای هیات عمومی دیوان عالی کشور برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع لازم الاتباع است و در صورتی که مطابق با حال محکوم علیه باشد، قابل تسری است

تاجر کیست؟

تاجر کسی است که عملیات تجاری شغلش باشد. تاجر یک سری حقوق و وظائفی دارد بنابراین باید در ابتدا تاجر را بشناسیم.

اشخاص به دو گروه تقسیم میشوند:

- **حقیقی:** افرادی که جسم و جان دارند و به محض تولد شخصیت حقیقی میابند و دارای حق و تکلیف میشوند
- **حقوقی:** یک مجموعه ای است که از اشخاص حقیقی تشکیل شده است. قانونگذار به این مجموعه یک شخصیتی جدا از اعضای تشکیل دنده آن میگذارد. مثلا حساب بانکی جدا، مسئولیت جدا و داشته باشد. به عنوان مثال باشگاه سپاهان یک شخصیت

حقوقی است که از تعدادی افراد به نام هیئت مدیره تشکیل شده است. اقامتگاه و حساب بانکی باشگاه سپاهان مستقل است و میتواند مرتکب جرم و تخلف شود و مجازات شود و این جدای از اعضای تشکیل دهنده آن است زیرا دارای شخصیت حقوقی مستقل است.

شخص حقوقی به دو دسته تقسیم میشود:

- **شخص حقوقی حقوق خصوصی:** به دنبال کسب منفعت و پول و مال است
- **شخص حقوقی حقوق عمومی:** متشکل از مجموعه ای از اشخاص حقیقی است که به هدف خدمت رسانی است (غیر انتفاعی) مثل اداره برق ، آب و فاضلاب ، شهرداری و به دنبال جلب منفعت و سود و پول نیست.

شخص حقوقی حقوق عمومی به دو دسته تقسیم میشود:

- **دولت:** میتواند عملیات تجاری انجام دهد . گاهی اوقات بعضی موارد را فقط دولت اختیار خرید و فروش کند (مثل اسلحه) ولی ما دولت را علیرغم خرید و فروش کردن تاجر تلقی نمی کنیم.
- **شرکتهای دولتی:** شرکتهایی هستند که بخش عمده ای از سرمایه متعلق به دولت است ولی بخشی از آن متعلق به اشخاص حقیقی است. نکته این است که باید بالای ۵۰ درصد سرمایه متعلق به دولت باشد. (حداقل ۵۱٪) شرکتهای دولتی هم از دولت و هم از اشخاص حقیقی سرمایه دارند. این شرکتهای دولتی اگر عملیات تجاری (خرید و فروش) انجام بدهد تاجر محسوب میشود.

نکته: گاهی اوقات دولت اقلام مورد معامله خود را به بخش خصوصی انتقال میدهد. مثلا خرید و فروش نفت خام یا خرید و فروش دخانیات.

توضیحات استاد: اشخاص به دو گروه حقیقی و حقوقی تقسیم میشوند . اشخاص حقیقی به اعضای جامعه گفته میشود که جسم و جان دارند و وجود طبیعی دارند و اشخاص حقوقی مجموعه ای متشکل از اشخاص حقیقی است که خود شخصیت جدا دارد بنابراین نام جداگانه ، محل سکونت جداگانه ، حساب بانکی جدا ، مسئولیت کیفری و حقوقی جدا از اعضای تشکیل دهنده خود دارد.

اشخاص حقوقی به دو گروه عمومی و خصوصی تقسیم میشود. اشخاص حقوقی حقوق عمومی به دولت و شرکتهای دولتی تقسیم میشود . دولت اگر عملیات تجاری انجام دهد تاجر نیست ، شرکت دولتی به شرکتی گفته میشود که بیش از ۵۰ درصد سرمایه آن متعلق به دولت است. این شرکتها اگر عملیات تجاری انجام دهند تاجر محسوب میشوند.

شرکتهای حقوق خصوصی به دو دسته تقسیم میشوند

- **شرکتهای تجاری** ماده ۲۰ قانون تجارت: ۷ مورد مشخص شده اند که تجاری محسوب میشوند. (اصولا تجاری میشوند ۹۰٪)
- **تشکیلات غیر تجاری** ماده ۵۸۴ و ۵۸۵ قانون تجارت: تشکیلاتی است که از افراد حقیقی تشکیل میشود ولی به دنبال جلب منفعت نیست . مثل اهداف علمی ، خیریه . به عنوان مثال: کانون خوشنویسان یا موسسه محک . ممکن است این تشکیلات جلب منفعت بکنند ولی به این عنوان نمیشود که این تشکیلات تجاری بشود. شرط این موضوع این است که کسب منفعت کار فرعی باشد ولی اگر تبدیل به کار اصلی بشود از تشکیلات غیر تجاری خارج میشود.

هوش مصنوعی» ماده ۲۰ قانون تجارت درباره انواع شرکتهای تجاری است. این ماده مشخص می کند که شرکتهای تجاری بر هفت قسم است: (۱) شرکت سهامی. (۲) شرکت با مسئولیت محدود. (۳) شرکت تضامنی. (۴) شرکت مختلط غیر سهامی. (۵) شرکت مختلط سهامی. (۶) شرکت نسبی (۷). شرکت تعاونی تولید و مصرف. هر یک از این انواع شرکتهای دارای ویژگیها، شرایط و قواعد خاص خود هستند که در فصول بعدی قانون تجارت توضیح داده شدهاند.

شخص حقوقی حقوق خصوصی: اعضای تشکیل دهنده آن ارتباطی با دولت ندارند و به هدف کسب سود و منفعت هستند .

هوش مصنوعی» عملیات تجاری طبق قانون تجارت به معنای کلیه فعالیت‌هایی است که تاجر یا شرکت تجاری برای کسب سود و منفعت انجام می‌دهد. عملیات تجاری شامل خرید و فروش کالا یا خدمات، حمل و نقل، دلالتی، بیمه، صرافی، بانکی، کشتیرانی، کشتی‌سازی، نمایشگاهی، تولیدی، صنعتی، معدنی و غیره می‌شود. عملیات تجاری می‌تواند بین تاجران یا بین تاجر و غیر تاجر صورت بگیرد. عملیات تجاری متعلق به حقوق تجارت است و تحت قوانین و مقررات خاصی قرار دارد.

سوال: اشخاص حقیقی به چه شرطی تاجر میشوند؟

دو شرط باید وجود داشته باشد:

- **انجام دادن عملیات تجاری به عنوان شغل معمولی خود:** اینکه چقدر تراکنش داریم تاثیر ندارد ، یعنی حتی اگر مشتری هم نداشته باشیم چون شغل ما خرید و فروش است تاجر محسوب می‌شویم. از طرفی باید برای خرید و فروش باید استمرار داشته باشیم. با یک خرید و فروش کسی تاجر محسوب نمی‌شود. نکته بعد اینکه شخص میتواند شغل دوم به عنوان تجارت باشد . مثلا شخصی صبح کارمند باشد و بعد از ظهر خرید و فروش انجام بدهد.
- **انجام دادن عملیات تجاری به نام و حساب خود:** فرض کنید یک مغازه ماییل فروشی داریم و با یک پرسنل کار میکنیم . اگر گوشی را به پرسنل بدهیم تا به کسی بدهد و به شماره کارت ما واریز کند. در واقع آن فروشنده تاجر نیست زیرا پول به حساب ما واریز میشود. یا اینکه مسئول خرید ایران خودرو وقتی برای خرید به فرانسه میرود آن مدیر تاجر محسوب نمیشود بلکه این ایران خودرو است که تاجر محسوب میشود. نکته: واسطه گری تجارت نیست.

توضیحات استاد:

- برای اینکه شخص حقیقی تاجر شود میبایست عملیات تجاری شغل معمولی او باشد .(ماده ۲ قانون تجارت) یعنی این کار را برای امرار معاش انجام دهد . یک شخص میتواند هم عملیات تجاری انجام دهد و هم غیر تجاری مانند معلمی که به عنوان شغل دوم خود خرید و فروش ساعت میکند.
- تجارت شغل مستقلی است و اگر کسی به نام و حساب دیگری عملی را انجام دهد آن عمل آمر یا دستور دهنده را تاجر میکند و نه انجام دهنده آن را . بنابراین مدیران شرکت تجاری ، خدمه تجارتخانه ها ، شرکا و سهامداران (ماده ۵۴ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت) تاجر محسوب نمیشوند.

هوش مصنوعی» قانون تجارت در ایران چگونه است؟

قانون تجارت در ایران یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های قوانین مربوط به امور بازرگانی است که بر اساس قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه ترجمه و تهیه شده است .^۱ این قانون در سال ۱۳۱۱ هجری شمسی توسط مجلس شورای ملی تصویب شده و دارای ۶۰۰ ماده و ۱۵ باب است .^۲ تجرخی از موضوعات این قانون عبارتند از:

- تعریف تاجر و معاملات تجاری
- ثبت تجارت و اسامی تجاری
- حسابداری و کتاب‌های تجاری

- شرکت‌های تجاری و انواع آنها
- اوراق بهادار و انواع آنها
- حمل و نقل و انواع آنها
- بیمه و انواع آنها
- تعلیق و اعسار و افلاس
- داوری تجاری

این قانون با توجه به تغییرات اقتصادی و تکنولوژیکی نیاز به بازنگری و اصلاح دارد.³ برای مطالعه بیشتر می‌توانید به لینک‌های زیر مراجعه کنید:

- [متن کامل قانون تجارت](#)
- [قانون تجارت ایران - ویکی‌پدیا](#)
- [بررسی سیر تغییر و تحول قانون تجارت در ایران](#)

سوال: عملیات تجاری چیست؟

- **معیار نوعی:** یک سری از کشورها مصادیقی را مشخص میکنند و آنرا عملیات تجاری مینامند. انواع عملیات توسط قانون مشخص شده است (ماده ۲)
 - **معیارهای شخصی:** یک سری دیگر از کشورها تاجر را معرفی میکنند و حالا هر کاری تاجر انجام داد را عملیات تجاری محسوب میکنند. عملیاتی به اعتبار تاجر بودن معامله کننده عملیات تجاری محسوب میشود. (ماده ۳)
- کشور ایران هر دو روش را انتخاب نموده است. در ماده ۲ بخشی را پذیرفته ایم به عنوان مصادیق و در ماده ۳ گفتیم که اگر تاجری این عملیات را انجام داد عملیات تجاری است.

هوش مصنوعی» ماده ۲ قانون تجارت درباره انواع معاملات تجاری است که تاجر یا شرکت تجاری می‌تواند انجام دهد. برخی از این معاملات عبارتند از:

- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره
- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا
- هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل‌کاری (کمسیون) و یا عاملی
- تاسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه
- تصدی به عملیات حراجی
- تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی
- هر قسم عملیات صرافی و بانکی
- معاملات برواتی
- عملیات بیمه بحری و غیر بحری
- کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها

هوش مصنوعی» ماده ۳ قانون تجارت درباره انواع معاملات تجارتي است که با توجه به تاجر بودن یکی یا هر دو طرف معامله، تحت حمایت قانون تجارت قرار می‌گیرند. این معاملات شامل موارد زیر هستند:

- کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها
- کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای حوائج تجارتي خود انجام می‌دهد
- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود انجام می‌دهد
- کلیه معاملات شرکت‌های تجاری

جلسه سوم

۲۷ آبان ۱۴۰۲

عملیات تجاری

کشورها برای مشخص شدن عملیات تجاری دو الگو دارند. معیار نوعی و معیار شخصی، گفته شد ایران هر دو نوع را دارد

عملیات تجاری به ۴ دسته تقسیم میشود

عملیات تجاری توزیعی: در عملیات تجاری توزیعی تاجر اجناسی را از تولید کننده یا فروشنده تحصیل میکند و در اختیار مصرف کننده قرار میدهد.

عملیات تجاری تولیدی: در عملیات تجاری تولیدی، تاجر از مواد اولیه کالایی میسازد، مثلاً پنبه را به نخ تبدیل میکند

عملیات تجاری خدماتی: در عملیات تجاری خدماتی به تاجر ارائه میشود مثل حمل و نقل یا انبارداری

معاملات برواتی

هوش مصنوعی» معاملات برواتی چیست؟

معاملات برواتی به معاملاتی گفته می‌شود که روی برات انجام می‌شود. برات نوشته‌ای است که بر اساس آن شخصی به شخص دیگری امر می‌کند مبلغی در وجه یا حواله کرد شخص ثالثی در موعد معینی بپردازد.^۱ برات از مهم‌ترین اسناد تجاری است و نقش مهمی در تجارت خارجی و داخلی بازی می‌کند.^۲ معاملات برواتی می‌تواند شامل صدور، ظهرنویسی، ضمانت، تنزیل و قبول برات باشد.^۳ قانون تجارت معاملات برواتی را اعم از اینکه بین تاجر باشد یا غیر تاجر، اعمال تجاری ذاتی محسوب کرده است.^۴

هوش مصنوعی» عملیات تجاری در حقوق به چند دسته تقسیم میشود؟

به طور کلی، عملیات تجاری را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

- **عملیات توزیعی:** این عملیات آن است که تاجر اجناس را از تولیدکننده یا فروشنده عمده تحصیل نموده و در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد.^۱

- عملیات تولیدی: این عملیات آن است که تاجر اجناسی را که قابل مصرف اشخاص نیست تغییر شکل داده یا با اجناس دیگری مخلوط نموده و به صورتی که قابل مصرف برای عموم باشد، آنها را عرضه می‌نماید.¹
- عملیات خدماتی: این عملیات آن است که تغییر در نوع جنس صورت نمی‌گیرد ولی خدماتی که انجام می‌دهد لازمه تجارت است.¹
- عملیات کمکی: این عملیات آن است که کار تاجر را تسهیل می‌کنند و با همکاری با تاجر باعث رونق و توسعه تجارت می‌شوند.¹

همچنین، عملیات تجاری را می‌توان به نحو دیگری نیز تقسیم کرد:

- عملیات تجاری ذاتی یا مطلق: این عملیات ذاتاً تجاری بوده و شخصیت معامل (تاجر بودن یا نبودن) تأثیری در ماهیت این اعمال حقوقی ندارد.² قانون‌گذار در ماده ۲ قانون تجارت اعمال تجاری ذاتی را بر شمرده است.³
- عملیات تجاری حکمی: این عملیات به حکم قانون تجاری محسوب می‌شوند و در ماده ۳ قانون تجارت ذکر شده‌اند.²
- عملیات تجاری تبعی یا نسبی: این عملیات آن است که اگر تاجر انجام دهد تجاری محسوب می‌شود و اگر غیر تاجر انجام دهد تجاری نیست.² مثالی از این عملیات خرید و فروش املاک است.⁴

عملیات تجاری توزیعی به دو قسمت تقسیم می‌شود:

- ۱- بند یک ماده ۲ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ - خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از آنکه تصرفاتی در آن شده باشد یا نشده باشد
 - ۲- تهیه یا رساندن ملزومات: بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت
- خرید یا تحصیل یعنی مالی خریده می‌شود به قصد فروش و اجاره دادن و برای استفاده شخصی نیست. این کلیت موضوع است. چند نکته مهم دارد.

خرید یا تحصیل: منظور قانونگذار این است که از هر نوع مالک شوید می‌توانید عملیات تجاری انجام دهید. هبه، معاوضه، ارث، قلاب انداختن، شکار، ... پس صرفاً برای مالک شدن صرفاً خرید ملاک نیست. مثلاً ماژیک بدهیم و موبایل بگیریم (معاوضه)

نکته: مالک شدن از این به بعد به اسم تملک شناخته می‌شود. تملک در مقابل تملیک قرار دارد. تملک به معنای مالک شدن است و تملیک به معنای به مالکیت در آوردن است. مثال وقتی موبایل را به کسی می‌دهیم ما داریم تملیک می‌کنیم و شخص گیرنده موبایل تملک می‌کند

توضیح استاد: تحصیل به معنی مالک شدن و به دست آوردن است و شامل هر عملیاتی می‌شود که از طریق آن شخص مالک مالی شود. (تملک). خرید یکی از اقسام تحصیل است ولی اشخاص به منظور اینکه مالک مالی شوند از طرق دیگری نظیر معاوضه، حیازت مباحات، هبه، صلح می‌توانند مالک آن باشند. بنابراین هر یک از شیوه‌های مذکور اگر به قصد فروش یا اجاره باشد، عملیات تجاری می‌باشد.

نکته: حیازت مباحات یعنی چه؟ مباح یعنی مالی است که مالک مشخص ندارد و همه می‌توانند مالک آن شوند مثل ماهی رودخانه، حیازت به معنی بهره برداری است. پس اگر قلابی انداخته شود و ماهی گرفته شود به قصد فروختن عملیات تجاری است.

نکته دوم: هر نوع مالک شدن باید به قصد مال منقول باشد.

هوش مصنوعی «حیازت مباحات یعنی چه؟»

حیازت مباحات به معنای تصرف و مالکیت گرفتن از اموالی است که در اصل متعلق به هیچ کس نیستند و هر کسی می‌تواند با رعایت قوانین شرعی و عرفی از آنها استفاده کند. مثلاً شکار کردن حیوانات وحشی، کشف کردن دفینه، احیاء کردن زمین‌های موات و غیره از انواع حیازت مباحات هستند. برای حیازت مباحات سه شرط لازم است: وجود مال منقول مادی در خارج، عدم وجود مالک برای آن مال، و ایجاد سلطه و قصد حیازت بر آن مال

هوش مصنوعی «چه مالی به عنوان حیازت مباحات شناخته نمی‌شود؟»

به طور کلی، مالی که مالک خاصی دارد یا متعلق به جامعه است، به عنوان حیازت مباحات شناخته نمی‌شود. برای مثال، اموال متعلق به دولت، اموال متعلق به افراد خاص، اموال متعلق به اوقاف، اموال متعلق به امام و پیامبر و غیره. همچنین، اموال غیرمنقول مانند زمین‌ها، ساختمان‌ها، درختان و غیره نیز از حیازت مباحات خارج هستند

هوش مصنوعی «چه مالی به عنوان حیازت مباحات شناخته می‌شود؟»

به طور کلی، مالی که مالک خاصی ندارد و هر کسی می‌تواند با رعایت قوانین شرعی و عرفی از آن استفاده کند یا آن را تملک کند، به عنوان حیازت مباحات شناخته می‌شود. برای مثال، برخی از اموال مباحات عبارتند از:

- اراضی موات: زمین‌هایی که معطل افتاده و آبادی و کشت و زرع در آنها نباشد. برای حیازت از این نوع زمین‌ها، لازم است آنها را احیا کرده و به آبادانی و کشاورزی بپردازند.
- دفینه: مالی که در زیر زمین یا در مکانی پنهان شده باشد و مالک آن معلوم نباشد یا از آن اعراض کرده باشد. برای حیازت از این نوع مال، لازم است آن را کشف کرده و سلطه بر آن ایجاد کنند.
- حیوانات وحشی: حیواناتی که در مکان‌های عمومی یا خارج از مالکیت اشخاص زندگی می‌کنند و مالک خاصی ندارند. برای حیازت از این نوع حیوانات، لازم است آنها را شکار کرده و به آنها سلطه یابند.
- آب رودخانه و ماهی: آب‌هایی که در رودخانه‌ها یا دریاها جریان دارند و ماهی‌هایی که در آنها زندگی می‌کنند و مالک خاصی ندارند. برای حیازت از این نوع آب و ماهی، لازم است آنها را تصرف مادی کرده و به آنها سلطه یابند.

مال منقول: خرید یا تحصیل میبایست نسبت به مال منقول باشد تا عملیات تجاری محسوب شود و صرفاً یک استثنا وجود دارد. (ماده ۵ قانون تملک آپارتمانها مصوب ۱۳۴۳). مال منقول به مالی گفته میشود که قابلیت جابجایی دارد و مال غیر منقول به مالی گفته میشود که قابلیت جابجایی ندارد.

نکته: اموال منقول باید قابلیت جابجایی فیزیکی داشته باشند. مثل ماشین، کشتی، هواپیما ولی زمین، خانه، کوه، دریا، درخت تا وقتی که بریده نشده باشد غیر منقول است. عملیات تجاری باید حتماً نسبت به مال منقول باشد ولی سوال این است که چرا؟ این ریشه سنتی دارد. سالها قبل اینقدر قیمت ملک ثابت بوده که تجار به فروش ملک فکر نمی‌کردند. مال غیر منقول از لیست کالاهای تاجرها خارج بود.

هوش مصنوعی « ماده ۵ قانون تملک آپارتمانها چیست؟

ماده ۵ قانون تملک آپارتمانها درباره شرایط و محدودیت‌های شرکت‌های ساختمانی است که به قصد ساخت و فروش آپارتمان و محل کسب تشکیل می‌شوند. این ماده مقرر می‌کند که این شرکت‌ها نمی‌توانند در سایر معاملات بازرگانی غیر مربوط به کارهای ساختمانی دخالت کنند و در صورت انحلال یا تصفیه، مسئولیت‌های آن‌ها را مشخص می‌کند. همچنین این ماده برخی از حقوق و تکالیف مالکان و استفاده‌کنندگان آپارتمان‌ها را در مواردی مانند تجدید بنا، تغییرات در فضاهای مشاع و تخلیه واحدها را بیان می‌کند. برای مطالعه متن کامل این ماده می‌توانید به این لینک مراجعه کنید. برای آشنایی بیشتر با قانون تملک آپارتمان‌ها به زبان ساده می‌توانید از این منبع استفاده کنید.

قصد فروش یا اجاره: تملک (مالک شدن) میبایست به قصد فروش یا اجاره باشد و در هنگام تملک این قصد وجود داشته باشد. بنابراین اگر شخصی مالی را تملک کند بدون اینکه قصد فروش یا اجاره داشته باشد. عملیات او تجاری نیست. حتی اگر بعداً آن مال را بفروشد یا اجاره دهد. همچنین فروختن یا اجاره دادن بعدی نیز مهم نیست.

نکته ۱: باید از خرید یا تحصیل باید قصد فروش یا اجاره باشد. مثال وقتی ماشینی را میخریم باید قصد فروش به غیر و یا اجاره به دیگران داشته باشیم تا عملیات تجاری محسوب شود. اگر ماشینی را بخریم و استفاده کنیم و ۶ ماه بعد بفروشیم عملیات تجاری محسوب نمیشود. مثلاً وقتی قلاب را به آب می‌اندازیم تا ماهی بگیریم اگر به قصد فروش باشد عملیات ما تجاری است ولی اگر به قصد فروش نباشد و برای مصرف شخصی ماهی بگیریم و بعد تصمیم به فروش بگیریم باز هم عملیات تجاری محسوب نمیشود.

نکته ۲: اگر به قصد فروش یا اجاره بخریم ولی نتوانیم بفروشیم یا اجاره بدهیم باز هم عملیات تجاری است. سود بردن یا زیان کردن مهم نیست

نکته ۳: اگر به قصد فروش یا اجاره بخریم و ۱۰ سال بعد بفروشیم باز هم عملیات تجاری است.

نکته بسیار مهم: تصرفاتی در آن شده باشد یا نشده باشد

تصرف به معنی تغییر یا دستکاری کردن است و برای اینکه عملیاتی تجاری محسوب شود تغییر یا دستکاری کردن شرط نیست و همینکه شخصی در حین تملک قصد فروش یا اجاره را داشته باشد عملیات تجاری است. بنابراین تصرف شرط عملیات تجاری نیست همچنین اگر تصرفات به حدی باشد که مخاطب هدفش از خرید تغییرات و تصرفات باشد. عملیات تجاری محسوب نمیشود.

تصرف به معنی تغییر دادن و دستکاری کردن است. قانون میگوید این مال را میتوانی تغییر بدهی و بفروشی یا اینکه بدون هیچ تغییری بفروشد. مثلاً ماشینی را به قصد فروش میخریم و بدون هیچ تغییری ۵ سال بعد بفروشیم عملیات ما تجاری است. حالا میگیریم رینگ عوض میکنیم و سیستم میندیم و بعد میفروشیم. عملیات ما تجاری است.

نکته ۱: اگر قصد ما این است که آهن بخریم و تبدیل به پنجره کنیم و بفروشیم باز هم عملیات ما تجاری است. حالا اگر کسی مقداری آهن بخرد که اگر جایی آهن برای درب و پنجره سازی کم آورد استفاده کند دیگر عملیات تجاری محسوب میشود. فرض بر این است که خریدار خرید پنجره آهنی باید برایش مهم باشد.

نکته ۲: این تغییرات و تصرف نباید به حدی باشد که خریدار پول تغییرات و تصرف را بدهد.

مثال: یک تکه چوب میخربیم به قصد فروش و اجاره میخربیم و یک لیبل کنارش میچسبانیم و میفروشیم. این عملیات تجاری است. حالا اگر این چوب را تبدیل به گیتار یا سه تار میکنیم و میفروشیم. در اینجا خریدار به قصد چوب نمیخرد بلکه به عنوان خرید ساز میخرد. در واقع پول تصرف یا تغییرات را میدهد.

مثال دیگر: یک بوم نقاشی میخربیم و یک قاب ظریف دورش میکشیم و برای فروش میگذاریم، این عملیات تجاری است. اگر بوم را بخربیم و با قلم نقاشی منظره یا طبیعت بکشیم خریدار پول بوم را نمیدهد بلکه پول خرید طرح نقاشی کشیده شده ما را میدهد در نتیجه تصرف و تغییرات به حدی است که خریدار برای تغییرات پول میدهد.

جلسه چهارم

۱۱ آذر ۱۴۰۲

در عملیات توزیعی یک نوع از عملیات تجاری است کالایی را توزیع یا پخش میکنیم در تولیدی کالایی را تولید میکنیم و در عملیات تجاری خدماتی، خدماتی را ارائه میکنیم و در مورد معاملات برواتی که تا کنون صحبتی نکرده ایم.

عملیات توزیعی به دو گروه تقسیم میشود:

گروه اول: **خرید یا تحصیل مال منقول به قصد فروش یا اجاره** (جلسه قبل به این موضوع پرداخته شد)

گروه دوم: **تهیه و رساندن ملزومات:** امروز در مورد آن صحبت خواهد شد

دومین گروه از عملیات تجاری توزیعی است. ملزومات به معنی کالاهایی است که لازم است. تهیه و رساندن یعنی رساندن کالا به دست مردم.

زمانی رساندن کالا به دست مردم عملیات تجاری محسوب میشود که حتما در قالب یک سازمان و تشکیلات باشد. مثلا اگر چنانچه در یک سوپرمارکت کار میکنیم و در آنجا به ما گفته میشود که کالایی را به خانه کسی برسانیم، درست است که در حال پخش کالایی هستیم ولی این به عنوان عملیات تجاری محسوب نمیشود. زیرا در قالب یک سازمان و تشکیلات نیست ولی شرکت اسنپ فود که شرکتی تشکیل داده که کارش رساندن کالا به دست مردم است عملیاتش تجاری است چون هم کالاها را به دست مردم میرساند و هم کارش در قالب یک سازمان و تشکیلات است. پس تهیه و رساندن ملزومات یعنی کالاهایی که لازم است به دست مردم یک عملیات تجاری محسوب میشود به شرط اینکه کارش در قالب یک تشکیلات و سازمان باشد.

حالا باید رساندن کالا به دست مردم **تکرار** و **استمرار** داشته باشد و با یک بار رساندن کالا به دست یک نفر عملیاتش تجاری نیست و این رفتار برای مدتی باید استمرار و تکرار داشته باشد تا عملیات تجاری محسوب شود.

در مورد تهیه و رساندن ملزومات به دست مردم چه کالا برای خودمان باشد، چه برای دیگران باشد و ما تنها پخش آنرا انجام دهیم باز هم عملیات تجاری محسوب میشود فقط مهم این است که این کار رساندن کالا به دست مردم باید در قالب یک سازمان باشد و کار به صورت انفرادی به عنوان عملیات تجاری قابل قبول نیست.

توضیحات استاد: تصدی به هر نوع تاسیساتی که برای تهیه و رساندن ملزومات باشد عملیات تجاری محسوب میشود ولی حتما باید این عملیات در قالب تشکیلات و سازماندهی شده باشد بنابراین با یک بار انجام عملیات تجاری نمیشود و حتما استمرار و تکرار لازم است و فرقی نمیکند که اموالی که توزیع میشود متعلق به توزیع شونده است یا دیگری. (بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت) هر قسم عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی بهر نوع تاسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد میشود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.

هوش مصنوعی» به چه شرایطی تهیه و رساندن ملزومات به دست مردم عملیات تجاری محسوب میشود؟

تهیه و رساندن ملزومات به دست مردم یکی از عملیات تجاری است که در بند ۳ ماده ۲ قانون تجارت به آن اشاره شده است. این عملیات شامل تصدی به هر نوع تاسیساتی است که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.^۱ برای اینکه این عملیات تجاری محسوب شود، باید به اعتبار تاجر بودن طرفین معامله یا یکی از آنها انجام شود. به عبارت دیگر، اگر تاجری برای حوائج تجارتی خود یا برای امور تجارتی ارباب خود یا برای شرکت تجاری‌ای که عضو آن است، ملزوماتی را تهیه و رسانده باشد، این عملیات تجاری است. اما اگر شخصی که تاجر نیست، برای نیازهای شخصی یا خانوادگی خود ملزوماتی را تهیه و رسانده باشد، این عملیات تجاری نیست.

عملیات تجاری تولیدی: دومین قسم از عملیات تجاری است. در این عملیات قرار است کالایی را تولید کنیم یعنی از یک مواد اولیه ای، کالای دیگر حاصل شود. به عنوان مثال پنبه در کارخانه به نخ تبدیل شود یا تیر آهن در کارخانه به ابزار و ماشین تبدیل شود. عملیات تجاری تولیدی انشعابات و شرایط متنوعی ندارد فقط یک شرط مهم دارد و آن این است که طبق بند ۴ ماده ۲ قانون تجارت حتما باید در قالب کارخانه انجام شود. بنابراین تولیدات در خانه عملیات تجاری نیست. ضمناً صرف ثبت و احداث کارخانه کافی نیست، این کارخانه حتما باید به مرحله تولید برسد.

نکته: قانون تجارت تعریفی از کارخانه ارائه نداده ولی کارخانه به طور عرف سازمانی است که شامل افراد است و برای آن مجوزهای خاص گرفته شده است. به عنوان مثال با داشتن یک زیر پله نمیتوان گفت که مجوز کارخانه داریم. باید دارای شرایط مکانی و بودجه داشته باشد.

توضیحات استاد: عملیات تجاری تولیدی تبدیلی شیئی به شیئی یا کالای دیگر است. این عملیات در قالب کارخانه انجام میشود و صرف تاسیس کارخانه کفایت نمیکند و حتما باید به مرحله تولید رسیده باشد. (بند ۴ ماده ۲ قانون تجارت) تاسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.

خدمات واسطه ای ، خدمات مالی ، امور متفرقه:

سومین قسم از عملیات تجاری خدماتی است، هر خدماتی، خدمات تجاری نیست بلکه خدماتی تجاری است که در قانون تجارت از آن اسم برده باشد که شامل خدمات واسطه ای، خدمات مالی، امور متفرقه میشود. فقط در این سه حالت است که خدمات، عملیات تجاری محسوب میشود.

اولین مورد « خدمات واسطه ای: همانگونه که از اسم آن مشخص است کسی که باید این خدمات را انجام بدهد باید وساطت یا واسطه گری انجام بدهد. بنابراین جنس خدمات واسطه ای از وساطت کردن است و دو طرف را به هم وصل میکند و به ۳ دسته تقسیم میشود:

دلال ، حق العمل کار و عامل

دلال: در ماده ۳۳۵ تا ۳۵۶ قانون تجارت به آن پرداخته شده.

تعریف دلال: دلال کسی است که دو طرف یک معامله را به هم وصل میکند و کارش فقط وصل کردن خریدار و فروشنده است و از این معامله پولی نمیگیرد. نکته مهم این است که وظیفه دلال فقط معرفی و وصل کردن دو طرف معامله به یکدیگر است و دیگر هیچ نقشی ندارد. حتی در مورد مشکلات حقوقی فیما بین طرفین به دلال هیچ ارتباطی ندارد.

فرض کنیم آقای به اسم علی بنگاه ماشین دارد، حسن خریدار ماشین است و محمدرضا، علی و حسن را به هم وصل میکند تا حسن ماشینش را به علی بفروشد. در اینجا محمدرضا دلال است. حالا اگر چکهای خریدار پاس نشد، ماشین فروشنده معیوب بود، قیمت بالا بود یا قیمت پائین بود ربطی به دلال (محمدرضا) ندارد. اگر هم مشکلی بین علی و حسن پیش آمد این دو میتوانند از هم شکایت کنند و محمدرضا به عنوان دلال مسئولیتی در این میان ندارد.

بنابراین دلال طرف معامله نیست و تنها دو طرف را به هم معرفی میکند بنابراین اسم دلال اصلاً در معامله نیست. دلال درصدش را میگیرد حتی اگر معامله بعداً فسخ شود باز هم به دلال ربطی ندارد و الزامی نیست اجرت گرفته شده را برگرداند. البته در مورد مسئولیتهای دلال در آینده بیشتر گفته خواهد شد.

نکته: اگر دلال ضامن یا شاهد معامله ای شود تنها مسئولیت قانونی شاهد یا ضامن بودن بر عهده اوست و در صورت لزوم باید در دادگاه پاسخگو باشد و گرنه بابت دلالی مسئولیتی ندارد.

نکته: در قانون هیچ عدد مشخصی در مورد اجرت و درصد دلال وجود ندارد. این صرفاً یک توافق است، حتی اگر دلال درصد بالایی بگیرد کسی نمیتواند معترض شود.

توضیحات استاد: دلال کسی است که در مقابل گرفتن اجرت دو طرف معامله را به یکدیگر نزدیک و معرفی میکند. دلال صرفاً واسطه است و طرف معامله محسوب نمیشود بنابراین ضامن اجرای درست معامله نیست، همچنین ضامن ارزش اجناس نیست و حتی اگر معامله فسخ شود نیز دلال حق الزحمه خود را دریافت مینماید.

دلال ممکن است برای هر دو طرف معامله دلالی کند یا فقط برای یک طرف معامله دلالی کند. مثلاً ممکن است محمد رضا هم به علی گفته باشد من مشتری برای ماشین تو می آورم و هم به حسن گفته باشد که من برای تو ماشین پیدا میکنم یا اینکه ممکن است فقط برای علی دلالی کند و گفته باشد من برای تو یک خریدار ماشین پیدا میکنم.

هر کسی که به دستور او دلال برایش کار دلالی انجام دهد **آمر** گفته میشود. امر یعنی امر کننده، دستور دهنده. در مورد مثال بالا اگر علی به محمد رضا گفته باشد که برای او دلالی کند، علی آمر محسوب میشود.

نکته: در تعریف عامیانه اگر شخصی مالی را بخرد و بعد بفروشد دلال محسوب میشود ولی این مخالف تعریف حقوقی و قانون تجارت است.

دلال در کجا مسئولیت دارد؟ قانون در دو مورد برای دلال مسئولیت قائل شده:

در اولین حالت دلال به عنوان واسطه مصلحت و نفع امر را رعایت نکند. اگر ثابت شود که این نفع را در نظر نگرفته حتی میتواند به مجازات خیانت در امانت هم محکوم بشود. در مورد مثال فوق اگر حسن (خریدار) آمر محمدرضا باشد، دلال باید چنانچه قیمت ماشین بالا باشد نخرد و چنانچه قیمت ماشین پائین باشد حتماً بخرد.

در دومین حالت اگر دلال با دروغ و تقلب معامله را انجام بدهد مسئول است. در مورد مثال فوق اگر محمدرضا به دروغ به حسن بگوید که این ماشین کاملاً سالم است و هیچ مشکلی ندارد در صورتیکه ماشین چپی باشد و با تقلب و جعل یک برگ کارشناسی بسازد که سلامت بدنه ماشین را نشان دهد و به این ترتیب حسن را ترغیب به خرید ماشین بکند. قانونگذار در این حالت محمدرضا را مسئول می داند.

توضیحات استاد: دلال ممکن است تحت امر یک نفر باشد (یک طرف معامله) یا تحت امر دو طرف معامله باشد. به شخصی که دلال تحت امر اوست آمر گفته میشود. دلال طبق ماده ۳۳۷ قانون تجارت اگر در اظهاراتش عدم صداقت یا تقلبی وجود داشته باشد مسئولیت دارد. همچنین اگر دلال به جای اینکه نفع آمر را در نظر بگیرد، نفع طرف طرف مقابل را در نظر بگیرد یا مبالغی را به ناحق از طرف مقابل دریافت کند به مجازات خیانت در امانت طبق ماده ۳۴۹ قانون تجارت محکوم میشود.

ماده ۳۳۷ - دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند - دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود میباشد.

ماده ۳۴۹ - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که باو مأموریت داده بنفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارتي محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود بعلاوه محکوم بمجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد.

سوال من: اگر دلال تحت امر دو طرف معامله باشد یعنی هر دو طرف آمر هستند بنابراین چگونه میتواند مصلحت هر دو طرف را رعایت کند؟ زیرا میدانیم رعایت نفع یک طرف یعنی عدم رعایت نفع (زیان) طرف دیگر بنابراین طبق قاعده مسئولیت رعایت دلال در رعایت مصلحت آمر به تناقض میخوریم.

سایر مواد مربوط به دلال در قانون تجارت:

ماده ۳۳۵ - دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسیکه میخواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا میکند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع بوکالت است.

ماده ۳۳۶ - دلال میتواند در رشته‌های مختلف دلالی نموده و شخصاً نیز تجارت کند.

ماده ۳۳۷ - دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند - دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خود میباشد.

ماده ۳۳۸ - دلال نمیتواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را بموقع اجرا گذارد مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.

ماده ۳۳۹ - دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات باو داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط بشخص او نبوده است.

ماده ۳۴۰ - در موردیکه فروش از روی نمونه باشد دلال باید نمونه مال التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.

ماده ۳۴۱ - دلالت می‌تواند در زمان واحد برای چند امر در یک رشته یا رشته‌های مختلف دلالتی کند ولی در اینصورت باید آمرین را از این ترتیب وامور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید.

ماده ۳۴۲ - هر گاه معامله بتوسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین بتوسط او رد و بدل شود در صورتیکه امضاها راجع باشخاصی باشد که بتوسط او معامله را کرده‌اند دلال ضامن صحت و اعتبار امضاها و نوشتجات و اسناد مزبور است.

ماده ۳۴۳ - دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالتی میکند و ضامن اجرای معاملات است که بتوسط او می‌شود نیست.

ماده ۳۴۴ - دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره که مورد معامله بوده مسئول نیست مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده.

ماده ۳۴۵ - هر گاه طرفین معامله یا یکی از آنها باعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود دلال ضامن معامله است.

ماده ۳۴۶ (اصلاحی ۱۳۹۹، ۱۱، ۰۸) - در صورتیکه دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد باید بطرفی که این نکته را نمیداند اطلاع دهد و الا مسئول خسارات وارده بوده و بعلاوه به ۲۵/۰۰۰/۰۰۰ تا ۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۳۴۷ - در صورتیکه دلال در معامله سهیم باشد با امر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.

فصل دوم - اجرت دلال و مخارج

ماده ۳۴۸ - دلال نمی‌تواند حق دلالتی را مطالبه کند مگر در صورتیکه معامله براهنمائی یا وساطت او تمام شده باشد.

ماده ۳۴۹ - اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که باو مأموریت داده برفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارته محل از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود بعلاوه محکوم بمجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد.

ماده ۳۵۰ - هر گاه معامله مشروط بشرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

ماده ۳۵۱ - اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال میکند باو داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که عرف تجارته محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده حکم کند.

ماده ۳۵۲ - در صورتیکه معامله برضایت طرفین یا بواسطه یکی از خيارات قانونی فسخ بشود حق مطالبه دلالتی از دلال سلب نمی‌شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

ماده ۳۵۳ - دلالتی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

ماده ۳۵۴ - حق الزحمه دلال بعهد طرفی است که او را مأمور انجام معامله نموده مگر اینکه قرارداد خصوصی غیر این ترتیب را مقرر بدارد.

ماده ۳۵۵ (منسوخه ۱۳۰۷، ۱۲، ۱-317) حق الزحمه دلال بواسطه قرارداد مخصوصی باید معین شده باشد و الا محکمه با رجوع باهل خبره و رعایت مقتضیات زمانی و مکانی و نوع معامله حق الزحمه را معین خواهد کرد.

ماده ۳۵۶ - هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتی را که بدلالی او انجام گرفته بترتیب ذیل در آن ثبت نماید:

(1) اسم متعاملین.

(2) مالی که موضوع معامله است.

(3) نوع معامله.

(4) شرایط معامله با تشخیص باینکه تسلیم موضوع معامله فوری است یا بوعده است.

(5) عوض مالی که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوری است یا بوعده است وجه نقد است یا مال التجاره یا برات در صورتیکه برات باشد برؤیت است یا بوعده.

(6) امضاء طرفین معامله مطابق مقررات نظامنامه وزارت عدلیه.

دفتر دلالی تابع کلیه مقررات راجع بدفاتر تجارتي است.

نکته: خواندن مواد قانونی مهم است. زیرا باید از ماده درک کامل داشته باشید تا بتوانید به سوالات ماهیتی پاسخ بدهید. در کل نیازی به حفظ کردن مواد قانونی نیست.

حق العمل کار (ماده ۳۵۷ تا ۳۷۶ قانون تجارت):

حق العمل یکی از افرادی است که خدمات واسطه ای انجام میدهد یعنی دو نفر را به هم متصل می کند که تا اینجا شبیه کار دلال است ولی یک فرق مهم حق العمل کار با دلال دارد. حق العمل کار به نام خودش و به حساب دیگری معامله میکند. بنابراین حق العمل کار بنام خودش کار میکند ولی با شارژ مالی دیگران (آمر).

مثلا علی به محمدرضا دستور میدهد که یک ماشین بخرد و این ماشین را بعد از خریدن به او بدهد و به محمدرضا میگوید که این ماشین را به نام خودت بخر ولی پولش را من میدهم. محمدرضا ماشین را از حسن با پول علی اما به نام خودش میخرد و بعد ماشین خریداری شده را به علی تحویل میدهد. در اینجا علی آمر است.

تفاوت حق العمل کاری با دلالی این است که در اینجا معامله بین حسن و محمدرضا انجام میشود ولی در دلالی معامله بین حسن و علی انجام میشود و محمدرضا در متن معامله نبود. مهم این است که حسن هیچ حق رجوعی به علی ندارد در حالی که در دلالی حسن در موارد جزئیات معامله مستقیما با علی درگیر بود اما در حق العمل کاری علی هیچکاره است و اگر دعوی حقوقی ایجاد شد محمدرضا و حسن هستند که با هم درگیر میشوند.

توضیحات استاد: حق العمل کار مانند دلال واسطه است ولی یک فرق عمده با دلالی دارد. دلال فقط واسطه بود ولی حق العمل کار با حساب آمر و با نام خود معامله میکند و در مقابل حق العمل (دستمزد، اجرت) دریافت میکند.

سوال من: آیا میتوان این برداشت را از سمت دیگر به اینصورت داشت که حق العمل کار کالای ما را به نام خود میفروشد و پولش را دریافت میکند و پس از کسر اجرت با ما تسویه حساب میکند؟ (مثل حجره های میوه در میدان میوه و تره بار)؟

نکته: حق العمل کار چه مسئولیت و وظایفی نسبت به آمر یا برعکس دارد؟ در قانون تجارت رابطه بین حق العمل کار و آمر تابع مقررات وکالت است به این معنی که حق العمل کار وکیل آمر نیست ولی مقررات وکالت را باید رعایت کند. یعنی وظایفی که یک وکیل نسبت به موکلش دارد حق العمل کار هم نسبت به آمرش باید رعایت کند. اولین وظیفه مهمش این است که حافظ منافعش باشد. دومین وظیفه این است که دقیقا در چارچوبی که به او وکالت داده است اقدام کند. (مثلا اگر خانمی به وکیل گفته شده طلاق بگیر، وکیل حق ندارد مهریه را به اجرا بگذارد زیرا فقط در حد طلاق به وکیل اختیارات داده شده است). بنابراین حق العمل کار دقیقا باید به دستور آمر اجرا کند.

در مورد مثال فوق اگر علی به محمدرضا گفته برای من پرلید بخر ، محمدرضا حق ندارد پڑو بخرد یا اگر علی گفت ماشین را نقد بخر محمدرضا نمیتواند چکی بخرد. یعنی باید دقیقاً در همان قالبی که آمر اجازه داده کار کند در غیر اینصورت حق العمل کار مسئولیت دارد.

توضیحات استاد: رابطه میان حق العمل کار و آمر تابع مقررات وکالت است بنابراین مقررات وکالت در مورد این دو نفر میبایست رعایت شود و حق العمل کار موظف است مصلحت آمر را در نظر بگیرد همچنین در حیطه اختیاراتی که آمر به او داده است اقدام کند.

عامل: عامل سومین خدمات واسطه ای است و قانونگذار در هیچ ماده قانونی عامل را توضیح نداده است بنابراین اختلاف نظر در تعریف عامل میان حقوقدانان وجود دارد و طبق تعریف دکتر ستوده (اساتید حقوق تجارت) عامل مانند حق العمل کار است ولی برای شخص معینی کار نمیکند و حق الزحمه او به میزان چند درصد از کاری است که انجام میدهد ولی حق العمل کار معمولاً برای شخص معینی در مقابل دستمزدی عمل میکند.

سایر مواد مربوط به حق العمل کار در قانون تجارت:

ماده ۳۵۷ - حق العمل کار کسی است که باسم خود ولی بحساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت میدارد.

ماده ۳۵۸ - جز در مواردی که بموجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجعه بوکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.

ماده ۳۵۹ - حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام مأموریت این نکته را بفوریت باو اطلاع دهد.

ماده ۳۶۰ - حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.

ماده ۳۶۱ - اگر مال التجاره که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارات بحری (آواری) بوسایل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه بعمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند و الا مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.

ماده ۳۶۲ - اگر بیم فساد سریع مال التجاره رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده حق العمل کار می تواند و حتی در صورتیکه منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعی العموم محلی که مال التجاره در آنجا است یا نماینده او بفروش برساند.

ماده ۳۶۳ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده بفروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدر نبوده است.

ماده ۳۶۴ - اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.

ماده ۳۶۵ - اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده بفروش رساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آنرا در حساب آمر محسوب دارد.

ماده ۳۶۶ - اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسبه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذالک اگر فروش به نسبه داخل در عرف تجارتهی محل باشد حق العمل کار مأذون بآن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

ماده ۳۶۷ - حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله باعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتي بلد او را مسئول قرار دهد.

ماده ۳۶۸ - مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعده که بنفع آمر داده باشد باید اصلاً و منفعتاً به حق العمل کار مسترد شود.
حق العمل کار میتواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز بحساب آمر گذارد.

ماده ۳۶۹ - وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل میشود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند بفعل آمر باشد.
نسبت باموریکه در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین مینماید.

ماده ۳۷۰ - اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصاً در موردی که بحساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود - بعلاوه در دو صورت اخیر آمر میتواند حق العمل کار را خریدار یا فروشنده محسوب کند.
تبصره - دستور فوق مانع از اجرای مجازاتیکه برای خیانت در امانت مقرر است نیست.

ماده ۳۷۱ - حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت باموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت بقیمتی که اخذ کرده - حق حبس خواهد داشت.

ماده ۳۷۲ - اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد حق العمل کار می تواند آن را با نظارت مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او بطریق مزایده بفروش برساند.
اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او یا نماینده او بعمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلاً باید باو اخطاریه رسمی ارسال گردد مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد.

ماده ۳۷۳ - اگر حق العمل کار مأمور بخرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي و یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد میتواند چیزی را که مأمور بخرید آن بوده خود شخصاً بعنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزها را که مأمور بفروش آن بوده شخصاً بعنوان خریدار نگاهدارد مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده ۳۷۴ - در مورد ماده فوق حق العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بورسی یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام میدهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل و هم مخارج عادیه حق العمل کاری را برداشت کند.

ماده ۳۷۵ - در هر موردیکه حق العمل کار شخصاً میتواند خریدار یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.

ماده ۳۷۶ - اگر آمر از امر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارسال خبر انجام معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمیتواند شخصاً خریدار یا فروشنده واقع شود.

خدمات مالی شامل امور بانکی صرافی و عملیات بیمه می‌شود عملیات بانکی در بند ۷ ماده ۲ قانون تجارت عملیات صرافی در بند ۷ ماده ۲ قانون تجارت و عملیات بیمه در بند ۹ ماده ۲ قانون تجارت است.

خدمات متفرقه

خدمات متفرقه به این چهار دسته تقسیم می‌شود:

- تصدی به حمل و نقل

- تصدی به عملیات حراجی

- تصدی به نمایشگاه عمومی

- معاملات دریایی

تصدی به حمل و نقل: اولین مورد از خدمات متفرقه تصدی به حمل و نقل است. تصدی به حمل و نقل دو واژه مهم دارد: تصدی و حمل و نقل. قبلاً گفتیم هر جا قانونگذار از واژه تصدی استفاده کرد منظورش این بود که حتماً باید سازمان و تشکیلاتی داشته باشد بنابراین هر جا از واژه تصدی استفاده کرد این پیام را به ما می‌دهد که اگر به صورت فردی کاری را انجام دهیم عملیات تجاری نیست. از طرف دیگر آن سازمان و تشکیلات باید به نوعی مدیریت شود. در واقع وقتی گفته می‌شود شخصی متصدی است به این معنی است که مجموعه را میگرداند.

حالا به واژه دوم یعنی حمل و نقل می‌پردازیم: قانون گفته است که اگر کسی تصدی به حمل و نقل داشت عملیاتش تجاری است یعنی اگر کسی سازمان یا تشکیلاتی داشت که به امور حمل و نقل می‌پردازد عملیاتش تجاری است. مثال اگر من یک تاکسی داشته باشم به تنهایی و بخواهم عملیات حمل و نقل انجام دهم عملیات من تجاری نیست یا مثال دیگر اینکه اگر یک پیک داشته باشم و کالایی را جابجا کنم عملیاتم تجاری نیست زیرا قانون از واژه تصدی استفاده کرده. حالا اگر موسسه‌ای داشته باشم که در آن اشخاص یا اشیا را جابجا می‌کنم عملیات من تجاری است. مثل اسنپ. پس فهمیدیم که حمل و نقل می‌تواند برای جابجایی اشخاص باشد و هم برای جابجایی اشیا باشد. مثلاً همانطور که اسنپ تجاری است عملیات اسنپ باکس هم تجاری است. نکته مهم در اینجا این است که کالاها برای دیگران باشد یعنی اگر کالای خودم را جابجا کنم دیگر عملیات تجاری نام ندارد. علت این است که در جابجایی کالای خود پولی قرار نیست دریافت کنیم که عملیات تجاری ایجاد شود.

توضیحات استاد: تصدی به معنی وجود تشکیلات یا سازمان یا موسسه است بنابراین هر زمان که قانون از واژه تصدی استفاده می‌کند منظورش ضرورت وجود تشکیلات یا موسسه می‌باشد. حمل و نقل در بند ۲ ماده ۲ قانون تجارت و ماده ۳۷۷ قانون تجارت مورد اشاره قرار گرفته است و شامل جابجایی افراد یا اشیا می‌شود و ضروری است متصدی حمل و نقل کالاهای دیگران را جابجا کند.

تصدی بر عملیات حراجی: این قسمت مربوط به بند ۵ ماده ۲ قانون تجارت می‌شود تصدی بر عملیات حراجی هم دو واژه مهم دارد که باید به آن توجه شود اول کلمه تصدی است و دوم واژه حراجی باز هم تکرار می‌کنیم که هر جا صحبت از تصدی باشد باید سازمان و تشکیلاتی

در پی آن وجود داشته باشد پس به صورت انفرادی این کار یک عملیات تجاری نیست مثلاً اگر من کالایی داشته باشم و بخواهم آن را حراج کنم این عملیات تجاری نیست بنابراین باید سازمانی داشته باشم که کارش به حراج گذاشتن اموال باشد

حراجی یعنی چی؟ حراجی در واقع نوعی واسطه‌گری است به این صورت که شخصی که کار حراج انجام می‌دهد کالایی را از فروشنده می‌گیرد و در معرض دید خریداران می‌گذارد و به بالاترین قیمت پیشنهادی می‌فروشد نکته مهم اینجاست که کالایی را که به حراجی می‌گذارم حتماً باید متعلق به دیگران باشد نه متعلق به خودم. چون اگر کالایی را که در معرض فروش می‌گذارم برای خودم باشد دیگر حراجی نیست بلکه فروش مال خودم است. مزایده هم داستانی مانند این دارد اما یک فرق مهم بین حراجی و مزایده است، در مزایده قیمت کف یا پایه می‌دهند ولی در حراجی قیمت کف نمی‌دهند به عنوان مثال در مزایده برای فروش یک ماشین گفته می‌شود که قیمت کف این ماشین ۲ میلیون تومان است و کسی نمی‌تواند پیشنهاد کمتر از ۲ میلیون تومان بدهد ولی در حراجی گفته می‌شود قیمت خریدتان را اعلام کنید.

نکته: در حال حاضر موسسه‌ای نداریم که کار حراجی انجام بدهد و این قانون مربوط به ۱۰۰ سال پیش است البته گاهی در سالن اجتماعات برج میلاد برخی اشیاء عتیقه یا تابلوهای نقاشی به روش حراج به فروش می‌رسد

توضیحات استاد: تصدی به عملیات حراجی در بند ۵ ماده ۲ قانون تجارت اشاره شده است و می‌بایست در قالب تشکیلات یا موسسه‌ای باشد. حراجی نوعی واسطه‌گری میان خریدار و فروشنده است. در واقع متصدی عملیات حراجی کالایی را در معرض خریداران قرار می‌دهد و به بالاترین قیمت می‌فروشد. تفاوت این عملیات با مزایده در تعیین قیمت پایه در مزایده است همچنین متصدی عملیات حراجی می‌بایست کالاهای دیگران را به حراج بگذارد.

تصدی به نمایشگاه عمومی: می‌تواند هم دائمی باشد و هم موقت. در اینجا باز هم از واژه تصدی استفاده کردیم پس در اینجا هم باید سازمان و تشکیلاتی به دنبال آن باشد و انفرادی مورد قبول نیست. در اینجا نمایشگاه داری هم به نوعی واسطه‌گری است به این صورت که نمایشگاهی دارم و کالاهایی را از فروشندگان در معرض دید خریداران قرار می‌دهم. به عنوان مثال تصمیم می‌گیریم نمایشگاه مبلی دایر کنیم به تعدادی تولید کننده مبلی اطلاع می‌دهیم و نمایشگاهی با حدود مثلاً ۶۰ غرفه برپا می‌کنیم این غرفه‌ها را به تولید کنندگان مبلی اجاره می‌دهیم تا آنها بتوانند محصولاتشان را در غرفه‌ها گذاشته و بفروشند. باز هم این نکته مهم در اینجا هست که من کالای خود را در نمایشگاه نمی‌گذارم و فقط واسطه‌ای هستم که فروشندگان کالاهایشان را در نمایشگاه من به معرض دید خریداران بگذارند.

نکته مهم دیگر این است که بعضی واژه‌ها تعریف کوچکی بازاری و عرف و عوام آن با تعریف قانونی فرق دارد مثال این موضوع را قبلاً در مورد کلمه دلال گفته‌ایم. یکی دیگر از این واژه‌ها نمایشگاه است، قانون تجارت می‌گوید نمایشگاه یعنی محل نمایش، یعنی هر جا که چیزی را به نمایش بگذارند نمایشگاه است. مثلاً سینما، موزه، تئاتر و کنسرت از نظر قانون تجارت نمایشگاه هستند ولی عموم مردم این موضوع را نمی‌پذیرند.

توضیحات استاد: بند ۶ ماده ۲ قانون تجارت به این موضوع اشاره کرده است. متصدی نمایشگاه در واقع واسطه بین فروشنده و خریدار است و کالاهای فروشنده را در معرض نمایش می‌گذارد. تعریف نمایشگاه در قانون با تعریف عامه مردم متفاوت است و طبق قانون تجارت نمایشگاه محل نمایش است بنابراین سینما، تئاتر، کنسرت، سیرک و حتی باغ وحش نمایشگاه به حساب می‌آید.

معاملات دریایی: معاملات دریایی در بند ۱۰ ماده ۲ قانون تجارت شامل سه قسمت است: خرید و فروش کشتی، کشتی سازی و کشتیرانی. این بند از قانون تجارت یک ایراد بزرگ دارد به این صورت که حتی اگر این بند هم نبود این سه عملیات به موجب بندهای دیگر عملیات تجاری محسوب می‌شدند و نیازی به ذکر این بند نبود. به عنوان مثال کشتی مال منقول است و خرید و فروش آن عملیات تجاری محسوب می‌شود یا کشتی‌سازی در بخش عملیات تولیدی، عملیات تجاری محسوب می‌شود یا کشتیرانی همان حمل و نقل است.

نکته: شان قانون این است که در مورد کلیات صحبت می‌کند و نه اینکه به صورت مصدافی بیان کند که در مورد فوق زیر سوال رفته است.

توضیحات استناد: معاملات دریایی شامل خرید و فروش کشتی، کشتی‌سازی و کشتیرانی داخلی و خارجی می‌شود و این عملیات به نوعی در سایر بندهای ماده ۲ قانون تجارت اشاره شده است، همچنین کشتیرانی می‌بایست به قصد انتفاع باشد پس کشتیرانی نظامی عملیات تجاری محسوب نمی‌شود.

معاملات برواتی: تاجرها در قدیم برای مراودات مالی و نقل و انتقالات به مرور آنقدر توسعه یافتند که دیگر اسکناس پاسخگو نبود بنابراین به استفاده از چک و برات و سفته روی آوردند در واقع چک و سفته و برات تعدادی اسناد تجاری بودند که برای ساده‌تر شدن کار تجار به وجود آمدند و به علت کارآمد بودن این اسناد تجاری از انحصار تجار خارج شد و اشخاص عموم نیز به استفاده از چک و سفته و برات روی آوردند. در مورد چک و سفته و برات در حقوق تجارت ۳ مفصل توضیح داده خواهد شد ولی اکنون در مورد سفته و برات مختصری توضیح می‌دهیم.

برات نوعی سند تجاری است که در کشور ما چندان مرسوم نیست ولی چون قانون تجارت ما برگرفته از قانون تجارت فرانسه است و چون آنها برات را دارند ما هم در قانون تجارت خودمان به آن پرداخته‌ایم. در برات شخصی به شخص دیگری دستور می‌دهد پولی را به نفر سومی پرداخت کند بنابراین طی فرم مشخصی همانگونه که سفته و چک فرم مشخص دارند با سه اسم مواجه هستیم شخصی که دستور پرداخت می‌دهد شخصی که پرداخت می‌کند و شخصی که دریافت می‌کند. در اینجا کسی که دستور پرداخت را می‌دهد در حقوق برات کش می‌گویند، شخصی که پول را انتقال می‌دهد برات گیر و شخصی که پول را دریافت می‌کند دارنده برات می‌گویند. علاوه بر تمام این‌ها در فرم برات مبلغ هم باید وجود داشته باشد. این موضوع در جاهایی مصداق پیدا می‌کند که شخصی به شخص دیگری بدهکار باشد و شخص دوم هم به شخص سوم بدهکار باشد، بنابراین شخص دوم با صدور برات به شخص اول دستور می‌دهد مبلغ را مستقیماً به شخص سوم بدهد.

سفته چیست: سفته هم نوعی سند تجاری هست که در آن شخصی می‌نویسد مبلغی را در تاریخ مشخص به شخص دیگر باید پرداخت کند. در واقع در سفته دو نفر هستند نه سه نفر. در سفته دارنده سفته در زمان مشخص شده که درون سفته یادداشت شده می‌تواند مبلغ تعهد شده را از شخص اول دریافت نماید.

نکته: تفاوتی که سفته با چک دارد این است که در چک یک بانک به عنوان واسطه در میان است ولی در سفته طرفین مستقیماً با هم طرف هستند.

توضیحات استناد: در معاملات برواتی به معنی هر عملیاتی است که بر روی برات انجام می‌شود برات یک سند تجاری است که بر آن شخصی (برات کش) به دیگری دستور می‌دهد (برات گیر) که مبلغی را به شخص سوم (دارنده برات) پرداخت کند. برات طبق بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت عملیات تجاری محسوب می‌شود اعم از اینکه بین تاجر باشد یا غیر تاجر. ماده ۲۲۳ تا ۳۱۰ قانون تجارت به برات اشاره کرده است.

تاکنون در مورد بندهای ماده ۲ قانون تجارت صحبت می‌کردیم اکنون به مبحث جدیدی می‌پردازیم:

توضیحات استاد: نکته خیلی مهم: علاوه بر عملیات تجاری ذکر شده در ماده ۲ (خدماتی، تولیدی، توزیعی و معاملات برواتی) طبق ماده ۳ قانون تجارت کلیه معاملات بین تجار اعم از اینکه برای نیازهای تجاری باشد یا غیرتجاری همچنین کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای نیازهای تجاری خود می‌کند از کلیه معاملاتی که شاگرد و خدمه تاجر برای امور تجارتهای تاجر انجام می‌دهند و همچنین کلیه معاملات شرکت‌های تجاری عملیات تجاری نامیده می‌شود به این عملیات، عملیات تجاری تبعی می‌گویند.

عملیات تجاری تبعی: تبعی از تبعیت می‌آید. در ماده ۲ قانون تجارت در مورد عملیات تجاری توضیحات کامل داده شد ولی تعدادی از عملیات تجاری هستند که بر اساس هیچ فرمولی در ماده ۲ قابل گنجاندن نیست یعنی نه تولیدی است، نه توزیعی است و نه خدماتی. بنابراین نمی‌توان با ماده ۲ آن را طبقه بندی کرد لذا قانونگذار بر اساس مصلحت‌هایی قصد داشت این عملیات را تجاری حساب کند پس ماده ۳ را ایجاد نمود و گفت این عملیات نیز عملیات تجاری است. به عنوان مثال گفته شد که کلیه معاملاتی که تاجر با هم انجام می‌دهند عملیات تجاری است یعنی حتی اگر تاجری برای درست کردن املت ناهار از تاجر دیگری تخم مرغ بخرد عملیاتی تجاری است زیرا قانونگذار قصد دارد تمام رفتارهای تاجر را عملیات تجاری محسوب نماید تا بتواند از آنها بر اساس تراکنش‌ها مالیات بگیرد به همین خاطر بنا به مصلحت‌هایی قانونگذار گفته است تعدادی از عملیات تجار، عملیات تجاری است حتی اگر با منطق تجارت جور نباشد.

نکته: توصیه می‌شود مطالب درس‌ها و کتاب را به صورت دسته‌بندی مطالعه کنید و برای این کار فهرست کتاب‌ها کار را راحت می‌کند زیرا نویسنده در فهرست کتاب مطالب را دسته‌بندی نموده است

تاکنون هر آنچه در مورد تاجر توضیح داده‌ایم برای این بوده که بدانیم تاجر چه امتیازات و چه وظایفی دارد.

وظایف تاجر: اولین وظیفه تاجر داشتن دفاتر تجاری است به عنوان مثال اگر به فروشندگان و کسبه دقت کنید بعید است که کسی کاسبی کند و دفتر نداشته باشد. همه دفتری دارند و در آن حساب‌هایشان را می‌نویسند. این حساب‌ها می‌تواند شامل این باشد که به چه کسانی پول داده‌اند؟ از چه کسانی طلب دارند؟ موجودی انبارشان چقدر است؟ و مواردی از این دست. این داشتن دفتر از قدیم در بین تاجر و کسبه بوده لذا قانونگذار به این موضوع توجه نموده و داشتن دفتر را از وظایف تاجر در نظر گرفته است و در این رابطه چهار دفتر مشخص نموده است که باید تاجر داشته باشند. هر کدام از این دفاتر موضوع خاصی را ثبت می‌کنند. داشتن این دفاتر تجاری چه فایده‌ای دارد و چه کمک‌هایی می‌کند؟ داشتن دفاتر تجاری ۳ امتیاز مهم دارد:

امتیاز اول برای خود تاجر است تا بررسی کند تا حساب‌هایش را طی مدت مشخص بداند که آیا این ماه سود برده است یا ضرر نموده است تا بتواند خط مشی کارش را تعیین نماید.

امتیاز دوم برای اداره مالیات است تا بتواند بررسی کند، بر این اساس اداره دارایی می‌تواند میزان مالیات را مشخص کند.

امتیاز سوم این است که در دعوای حقوقی اگر اختلافی بین دو تاجر اتفاق افتاد قانون می گوید هر یک از تاجر طرف دعوا می تواند به دفاتر خود یا دفاتر طرف مقابل استناد کند و از این طریق ادعای خود را ثابت کنند. البته لازم به ذکر است که امروزه به جای دفاتر فیزیکی از نرم افزارهای حسابداری و تراکنش های بانکی استفاده می شود و سازمان های زیربط مانند دارایی به این اطلاعات اشراف دارند .

توضیحات استاد:

دفاتر تجاری: داشتن دفاتر تجاری در اکثر کشورها برای تاجرها الزامی است. دفاتر تجاری علاوه بر اینکه به تاجر کمک می کند که از وضع دارایی و طلب و بدهی خود مطلع شود برای تعیین مالیات و همچنین با احراز شرایطی در دعاوی بین تاجر له و علیه (به نفع و به ضرر) طرفین قابل استناد است .

نکته: از واژه های له و علیه عبارتهای دیگری منشعب می شود مثل محکوم له و محکوم علیه ، در مورد عبارت اول به این معنی است که محکومیت به نفعش شده است مثلاً طرف مقابل به پرداخت ۱۰ میلیون تومان جزای نقدی محکوم شده است. در مورد عبارت دوم این معنی را می دهد که محکومیت به ضررش شده است مثلاً خودش به سه سال حبس محکوم شده است.

انواع دفاتر تجاری: دفتر روزنامه ، دفتر کل ، دفتر دارایی ، دفتر کپی.

دفتر روزنامه: ماده ۷ قانون تجارت به دفتر روزنامه اشاره کرده است و همانطور که از اسمش مشخص است باید روزانه توسط تاجر تکمیل شود این موارد می تواند شامل فروش، مخارج، قرض، برداشت از اموال، بدهی ، طلب و غیره مربوط به همان روز باشد. حال در روز بعد صفحه جدیدی ایجاد می شود و ریز معاملات فوق مجدداً برای روز جدید ثبت می شود.

دفتر کل: دفتر کل به صورت هفتگی تنظیم می شود و مطالب دفتر روزانه به تفکیک در دفتر کل جمع بندی می شود. مثلاً برآیند معاملات با یک شخص در طول هفته گذشته در دفتر کل در یک ستون خاص ثبت می شود .

دفتر دارایی: دفتر دارایی سالیانه است و تاجر باید هر سال صورت اموالش را اعم از منقول و غیرمنقول در دفتر دارایی بنویسد. کل مطالبات سالش ، کل بدهی یک ساله اش ، مقدار اجناس ورودی و مقدار اجناس خروجی را بنویسد. به عبارت بهتر کل کارکرد یک سالش را باید در دفتر دارایی بنویسد. معمولاً اداره دارایی با دفتر دارایی طرف می شود. نکته مهم دیگر این است که دفتر دارایی باید حتماً تا ۱۵ فروردین سال دیگر تکمیل شده باشد. مثلاً اکنون که در سال ۱۴۰۲ هستیم دفتر دارایی امسال باید حتماً تا ۱۵ فروردین ۱۴۰۳ تکمیل شده باشد.

دفتر کپی: دفتری است که برخلاف دفاتر قبلی مهلت و زمان ندارد و تاجر باید به ترتیب تاریخ کلیه مراسلات یعنی ارسالی ها و دریافت ها اعم از کالا یا نامه را ثبت نماید این دفتر در واقع نوعی بایگانی است.

توضیحات استاد :

دفتر روزنامه: به طور روزانه نوشته می شود و کلیه طلبها و بدهی ها و داد و ستد و معاملات تجاری تاجر به طور روزانه نوشته می شود.

دفتر کل: کلیه معاملات را هفته یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلف آن را تشخیص و به تفکیک و به طور خلاصه ثبت می شود.

دفتر دارایی: دفتری است که تاجر همه ساله صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را در آن ثبت و امضا می کند تا ۱۵ فروردین سال بعد می بایست انجام شود .

دفتر کپی: دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و نامه ها و صورتحساب های صادره خود را به ترتیب تاریخ بنویسد.

ادامه وظائف تاجر: امروز در مورد مزیت سوم دفتر تجاری صحبت میشود که میگوید تاجر میتواند از دفاتر خود یا دفاتر طرف مقابل در محاکم به عنوان مدرک جهت اثبات دعوی استناد کند.

توضیح استاد: داشتن دفتر تجاری در مورد کسبه جزء الزامی نیست، کسبه جزء افرادی هستند که تاجرند ولی از انجام برخی وظائف تاجر معاف هستند. طبق اصلاحیه نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت مصوب رئیس قوه قضائیه مورخ ۱۴۰۰ کسبه، پیشه وران، توزیع کنندگان، تولید کنندگان و نژاتر آنها که فروش سالیننه آنها از ۴۰۰ میلیون تومان تجاوز نکند، همچنین ارائه دهندگان خدمات تجاری که درآمد آنها از ۲۰ میلیون تومان در ماه تجاوز نکند کسبه جزء محسوب میشوند.

سندیت دفاتر تجاری: یکی از ویژگی های مهم دفتر تجاری این است که برای اثبات ادعای تاجر در دادگاه به کار میرود. تاجر میتواند هم به دفتر تجاری خود استناد کند و هم به دفتر تجاری طرف مقابل استناد کند ولی برای اینکه دفاتر تجاری سند محسوب شود، ۳ شرط باید داشته باشد:

شرط اول - تنظیم دفتر تجاری طبق مقررات قانونی: در دفتر تجاری را به صورت دلخواه نمیتوان نوشت و قانونگذار مقرراتی را در این رابطه تدوین نموده است. اگر دفتر طبق مقررات تنظیم نشود به نفع اعتبار ندارد ولی به ضرر اعتبار دارد. مثلا اگر طبق مقررات تنظیم نشده باشد مطالبات قابل قبول نیست ولی بدهی پذیرفته میشود.

شرط دوم - دعوی بین تجار باشد (مهم)

شرط سوم - دعوا راجب امور تجاری باشد

توضیحات استاد:

شرط اول: شرایط تنظیم دفتر تجاری طبق مقررات قانونی: دارای ۱۰ شرط است

- ۱- قبل از اینکه چیزی در دفتر نوشته شود میبایست توسط نماینده اداره ثبت دفتر امضا شود بجز دفتر کپی که نیازی به امضای نماینده ثبت ندارد.
- ۲- هر سال باید این امضا تجدید شود.
- ۳- دفتر باید نمره ترتیبی داشته باشد و قیطان کشی شود. (بند کشی)
- ۴- در صفحات اول و آخر هر دفتر مجموع عدد صفحات دفتر نوشته شود (ماده ۱۲ قانون تجارت)
- ۵- اسم و فامیل صاحب دفتر در صفحه اول و آخر نوشته شود (ماده ۱۲ قانون تجارت)
- ۶- کلیه اعداد و حتی تاریخ به حروف نوشته شود
- ۷- کلیه معاملات و صادرات و واردات باید به ترتیب تاریخ نوشته شود (ماده ۱۳ قانون تجارت)
- ۸- تراشیدن و حک کردن و همچنین جای خالی گذاشتن غیر متعارف ممنوع است. (ماده ۱۳ قانون تجارت)
- ۹- حاشیه نویسی و بین سطر نوشتن ممنوع است.
- ۱۰- تاجر باید تمام این دفاتر را تا ۱۰ سال نگهداری کند.

شرط دوم: دعوی بین تاجر باشد: شرط دیگری برای اینکه بتوان در محاکم قضایی به دفاتر استناد کرد این است که دعوی بین ۲ تاجر باشد یعنی دو نفر تاجر روبروی هم قرار گرفته باشند. اگر فقط یک طرف دعوی غیر تاجر باشد، شخص غیر تاجر میتواند به دفتر تجاری تاجر طرف دعوی استناد کند. زیرا نوشته های دفتر یک تاجر که امضا شده است میتواند یک اقرارنامه تلقی شود. ولی نکته مهم این است که شخص غیر تاجر نمیتواند فقط به قسمت دلخواه خود استناد کند بلکه تمام نوشته های دفتر مورد استناد قرار خواهد گرفت حتی اگر به ضرر غیر تاجر باشد.

نکته: اگر دفتر تاجر دارای مشکل قانونی باشد فقط قسمتهای به ضرر تاجر استناد خواهد شد.

توضیحات استاد: اصولاً دفاتر تجاری در دعوی بین تاجر سندیت دارد و اگر این دفاتر طبق مقررات تنظیم نشده باشد صرفاً علیه تاجر سندیت دارد، با این حال طبق ماده ۱۲۹۸ و ۱۲۹۹ قانون مدنی اگر دعوایی بین تاجر و غیر تاجر باشد، غیر تاجر میتواند برای اثبات ادعای خود به دفتر تجاری تاجر استناد کند و نمیتواند صرفاً بخشی که به نفع او هست را قبول کند و بخشی که به ضرر او هست را رد کند (مهم)

نکته: هر جا در حقوق کلمه "اصولاً" دیده شد به این معنی است که میتواند استثنایی داشته باشد یا تبصره ای باشد یا اما به وسط بیاید

شرط سوم: دعوا راجب امور تجاری باشد: فرض کنید زن و شوهری تاجر هستند و هریک دارای دفاتر تجاری هستند ولی بین آنها دعوایی به عنوان مثال بابت حضانت فرزند ایجاد شده است. قانون میگوید درست است که دعوا بین دو تاجر است ولی چون ربطی به امور تجاری ندارد قابل استناد نیست.

چگونه میتوان به دفاتر تجاری استناد کرد؟ ماده ۲۱۰ قانون آئین دادرسی مدنی (آدم)

وقتی در دادگاه به دفاتر طرف مقابل استناد میکنیم قانون میگوید طرف مقابل باید دفاترش را بیاورد. اگر دفتر را آورد که موضوع طبق روال پیش میرود ولی اگر طرف مقابل برای نیابردن دفاتر دلیل آورد قانون میتواند نماینده ای را به موسسه طرف مقابل بفرستد تا حضوراً دفاتر را رویت نماید و اگر ابراز نمود که به دلیلی دفتر موجود نیست قانون از وی خواهد خواست که ثابت کند، اگر توانست ثابت کند که به دلیل موجهی دفتر موجود نیست قانون اظهارات وی را میپذیرد ولی اگر نتوانست دلیل موجهی بیاورد قانون این را نشانه ای (آماره، قرینه) بر کذب گویی طرف مقابل تلقی میکند.

نکته: اماره در مقابل دلیل قرار میگیرد. دلیل قاطع است و در اصطلاح عامیانه اگر دلیل را روی سنگ بگذارید، سنگ آب میشود. پس دلیل آنقدر قوی است که با ارائه آن قاضی بلافاصله رای را صادر میکند ولی اماره یک سری مدارکی است که فقط میتواند نشانه ای بر صحت مدعا باشد ولی قاطع و صد درصدی نیست یعنی خلافتش قابل اثبات است. دلیل به هیچ عنوان خلافتش قابل اثبات نیست.

نکته: اگر غیرتاجری با تاجری اختلاف داشته باشد و به دفاتر تاجر استناد کند ولی در دفتر تاجر در روز و زمان مورد نظر سهواً یا عمداً چیزی در مورد موضوع مورد دعوا نوشته شده نبود قانون میگوید از مدارک دیگر مانند رسید بانکی، قبوض، شهود و ... میتوان برای اثبات ادعا استفاده نمود. یعنی دفاتر تجاری تنها روش برای اثبات ادعا نیست.

توضیحات استاد: اگر یکی از طرفین به دفتر تجاری طرف مقابل استناد کرد دفتر باید در دادگاه ابراز شود و اگر این امکان نبود دادگاه شخصی را مامور میکند که به محل برود و با حضور طرفین دفتر را بررسی کند، هیچ تاجری نمیتواند بگوید که من دفتر ندارم یا دسترسی به آن ندارم مگر اینکه ثابت کند دفترش تلف شده است یا دسترسی به آن ندارد و اگر موضوع را نتواند ثابت کند اماره ی طرف مقابل است، همچنین اگر دینی در دفتر تجاری قید نشده باشد مدعی میتواند با سایر مدارک ادعای خود را ثابت کند.

هوش مصنوعی» ماده ۲۱۰ قانون آئین دادرسی مدنی

ماده ۲۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی مربوط به ابراز دفاتر بازرگانی در دادگاه است. این ماده بیان می‌کند که اگر یکی از طرفین به دفتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند، باید آن دفتر را در دادگاه نشان دهد. اگر این کار ممکن نباشد، دادگاه می‌تواند شخصی را مامور کند که با حضور طرفین دفاتر را بررسی کند. همچنین، اگر بازرگانی که به دفاتر او استناد شده است، از نشان دادن آنها خودداری کند و نتواند ثابت کند که دفتر او تلف شده یا دسترسی به آن ندارد، دادگاه می‌تواند آن را به نفع طرف مقابل تفسیر کند

نحوه صدور رای قاضی: قاضی ابتدا دفاتر را بررسی میکند که آیا طبق مقررات تنظیم شده است؟، اگر طبق مقررات تنظیم شده باشد گفته میشود که میتوانید به نفع خود از آن استفاده کنید ولی اگر طبق مقررات تنظیم نشده باشد قاضی میگوید دفتر به ضرر قابلیت استناد دارد ولی به نفع قابلیت استناد ندارد. سپس قاضی سایر مدارک را بررسی میکند. اگر سایر مدارک با دفاتر هماهنگ بود رای صادر میشود ولی اگر سایر مدارک با دفاتر در تضاد بود قانون گفته است که قاضی میتواند دفتر را کنار بگذارد و بر اساس سایر مدارک قضاوت نماید. حال اگر دفتر دو طرف طبق مقررات تنظیم شده بود ولی از نظر محتوایی با هم در تعارض بود، قانون گفته است قاضی حق دارد دفاتر را کلاً کنار بگذارد و بر اساس سایر مدارک رای صادر کند. قاعده حقوقی - فقهی نیز در این رابطه داریم که (اذا تعارضاً تساقطاً) یعنی اگر دو مدرک با هم تعارض داشته باشد هر دو اسقاط میشود.

توضیحات استاد: قاضی ابتدا باید دفاتر دو طرف را بررسی کند. اگر دفتری طبق مقررات تنظیم نشده باشد علیه تاجر قابل استناد است ولی به نفع او قابل استناد نیست. اگر دفاتر تاجر طبق مقررات تنظیم شده باشد ولی با سایر مدارک موجود در پرونده تعارض داشته باشد قاضی میتواند بدون توجه به دفتر حکم قضیه را صادر نماید. همچنین اگر دفاتر هر دو طرف طبق مقررات باشد ولی از نظر محتوایی با هم تعارض داشته باشد، قاضی هر دو دفتر را کنار میگذارد و بر اساس سایر مدارک موجود حکم قضیه را صادر میکند.

هوش مصنوعی» قاعده حقوقی "اذا تعارضاً تساقطاً" را توضیح دهید

قاعده حقوقی اذا تعارضاً تساقطاً به این معنی است که اگر دو دلیل با هم معارض بودند، هر دو از درجه اعتبار ساقط می‌شوند و نمی‌توان به هیچ یک از آنها تکیه کرد. این قاعده در فقه و حقوق اسلامی کاربرد دارد و برای حل تعارض بین دو دلیل قاطع یا ظاهری استفاده می‌شود. برای مثال، اگر دو وصیت‌نامه بدون تاریخ با هم در تعارض باشند، نمی‌توان به هیچ یک از آنها اعتماد کرد و باید به اصول عملیه مراجعه کرد.

نکته خارج از درس: جرائم جنسی حبس ندارد و مجازات آن شلاق یا اعدام است. پرونده های شلاق در دادگاه کیفری ۲ رسیدگی میشود و در صورتی که اعدام باشد در دادگاه کیفری یک رسیدگی میشود. به طور کلی جرائم سنگین در دادگاه کیفری یک رسیدگی میشوند. اعتراض به رای دادگاه کیفری یک به دیوان عالی کشور میرود. دیوان عالی کشور در صورت نقض رای نمیدهد و جهت رسیدگی مجدد به یک شعبه دیگر ارجاع میشود.

نکته خارج از درس: پرونده های کیفری اول به داسرا میرود و در مورد پرونده تحقیق میشود و قاضی به این نتیجه میرسد که جرمی اتفاق افتاده یا نه. چنانچه به متهم گفته شود آخرین دفاع را بگو به این معنی است که از نظر داسرا وقوع جرم محرز شده و جلب به دادرسی صادر میشود تا در دادگاه مطرح شود ، چنانچه وقوع جرم محرز نشود منع تعقیب صادر شده و پرونده بسته میشود.

توضیحات استاد: در اکثر کشورها دفاتری وجود دارد که تاجر میبایست نام خود را در آن بنویسد ، در کشور ایران نیز تاجر بجز کسبه جزء موظف هستند نام خود را در دفتر ثبت تجاری بنویسند ، این اظهارات راستی آزمایی نمیشود بنابراین تاجر ممکن اطلاعات نادرستی ارائه دهند. همچنین با توجه به اینکه ضمانت اجرای شدیدی برای ننوشتن نام در دفتر ثبت تجاری وجود دارد ، تاجر رغبت چندانی به این عمل ندارند. دفتر ثبت تجاری در تهران در محل اداره ثبت شرکتهای است و در شهرستانها در محل اداره ثبت است.

(ماده ۱۶ - ۱۷ - ۱۸ قانون تجارت)

اعتبار دفتر ثبت تجاری:

- ۱- اعتبار دفتر ثبت تجاری در مواردی است که شخصی نام خود را به عنوان تاجر در دفتر ثبت تجاری مینویسد ، در واقع آن شخص به این موضوع اقرار کرده است که من تاجر هستم بنابراین نمیتواند اظهارات خود را نپذیرد و بگوید من تاجر نیستم مگر اینکه دلایل و مدارک معتبر داشته باشد.
- ۲- همچنین سایر اظهاراتی که تاجر در دفتر ثبت تجاری مینویسد در صورتی که به ضرر او باشد به نوعی اقرار محسوب میشود و علیه تاجر سندیت دارد
- ۳- شرط عضویت در اتاق بازرگانی ثبت نام در دفتر ثبت تجاری است ، اتاق بازرگانی ، صنایع و معادن و کشاورزی موسسه ای غیر انتفاعی است که برای ایجاد هماهنگی میان تاجر در حوزه صنایع یا معادن با نهادهای دولتی فعالیت میکند
- ۴- شرط گرفتن کارت بازرگانی ثبت نام در دفتر ثبت تجاری است ، کارت بازرگانی مجوزی است که به تاجر داده میشود تا در حوزه واردات و صادرات اقدام کنند.